

" بررسی و تحلیل نقش ادراک محیطی جوامع محلی در بهره برداری از منابع طبیعی حوزه های آبخیز شمال ایران (مطالعه موردی حوزه آبخیز " واز رود " - شهرستان نور) *

عباس علیپور

دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران

Email: abe1348@yahoo.com

دکتر مسعود مهدوی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده :

هر فردی از محیط طبیعی خود تصویر ذهنی دارد. برای توصیف چنین تصاویر ذهنی، جغرافیدانان فرهنگی از اصطلاح ادراک محیطی کمک گرفته‌اند. برای درک چرایی استقرار گروه‌های انسانی در محیط طبیعی‌شان، جغرافیدانان نه فقط باید از خصایص محیط مربوطه آگاه باشند، بلکه همچنین بایستی با نحوه نگرش و ادراک واجدین فرهنگ نسبت به محیط طبیعی نیز اطلاع داشته باشند. بطور کلی درک مردم از محیط زیست‌شان همانند تجربه‌هایشان نسبت به یکدیگر فرق می‌کند و همچنین علایق‌شان هم نسبت به یکدیگر متفاوت می‌باشد، بطوری که ارزشها، اعتقادات ریشه دار و یا هر آنچه که برای اشخاص و جامعه ارجحیت دارند بر ادراک و معرفت آنان تأثیر گذارند. سازمان فضایی منابع طبیعی شمال ایران و فرمهای فضایی شکل گرفته در آن تا حدود زیادی به نوع منابع محیطی موجود در آن (جنگل، مرتع، رودخانه‌های پرآب، چشمه‌های فراوان و ...)، و همچنین به ادراک محیطی ساکنین آن بر میگردد. بنابراین شناخت میزان ادراک آنان در مورد نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی بمنظور اصلاح و ترمیم شکافهای ایجاد شده که بواسطه برهم خوردن تعادل‌های محیطی در این سازمان فضایی بوجود آمده از ضروریات اساسی می‌باشد، امری که تا بحال کمتر به آن توجه شده و بیش از دو دهه است که با صرف میلیاردها ریال هزینه های تحقیقاتی و مطالعاتی سعی در القای این دیدگاه می‌باشد که عامل اصلی این بهم‌ریختگی جنگل نشینان و معیشت دامداری سنتی مربوط به آنان می باشد، حال آنکه بنظر می‌رسد نگرش و نحوه بهره برداری از منابع طبیعی حوزه های آبخیز شمال ایران با نوع و میزان ادراک محیطی جوامع محلی (ساکنین قلمروهای جلگه ایی - میانکوهی و کوهستانی) ساکن آن ارتباط معنی داری را دارد. ایده ایی که این تحقیق بدنبال بررسی آن می‌باشد. نتایج آنالیز آماری نشان داده که در قلمرو ادراکی پاسخهای ساکنین دائم و موقت به گزینه‌های مربوط به نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی حوزه با استفاده از آزمون (X^2) بسیار معنی دار بوده، بطوریکه سطح ادراکی ساکنین موقت به نظرات کارشناسی نزدیکتر از ساکنین دائمی نشان داده است.

* این مقاله استخراج شده از رساله دکترائی است که به راهنمایی دکتر مسعود مهدوی تهیه شده است.

واژه های کلیدی: ادراک محیطی، سازمان فضایی، بهره برداری از منابع طبیعی، جنگل نشینان، نقشه های ذهنی

مقدمه :

اگر ادراک را به مفهوم آگاهی انسان از جهان درون و بیرون بدانیم. ادراک جغرافیایی، ادراک ما را از جهان پیرامون ما، روابط فضایی، شناسایی مکانهای مشخص و متفاوت و در نهایت شناخت ما را از وضع و شرایط خود در جهان مطلع می سازد. در واقع ادراک حسی به همان اندازه که یک تجربه مشترک و یک مقوله اجتماعی است به همان میزان نیز یک امر فردی می باشد و ادراک جغرافیایی، نمی تواند از این گفته مستثنی گردد. (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹-۱۱۸) هر فردی از محیط طبیعی خود تصویر ذهنی دارد. برای توصیف چنین تصاویر ذهنی، جغرافیدانان فرهنگی از اصطلاح ادراک محیطی کمک گرفته اند. پیروان مکتب ادراک محیطی معتقدند که نوع انتخاب انسان در محیط بیش از آنکه به خصایص واقعی و فیزیکی محیط طبیعی وابسته باشد، به نحوه ادراک و نگرش وی از محیط بستگی دارد. این در حالی است که پیروان مکتب اختیار در مورد امکانات گوناگون ارائه شده در محیط برای انسان حق انتخاب قایل هستند. ادراک به نوبه خود از آموزشهای فرهنگی مایه می گیرد و رنگ می پذیرد. ادراک گرایان بر این باورند که انسانها نمی توانند محیط خود را دقیقاً آنطور که هست ادراک کنند. از این رو، تصمیم های آنها دقیقاً بر اساس واقعیت های محیطی اتخاذ می شود. برای درک چرایی استقرار گروههای فرهنگی در محیط طبیعی شان، جغرافیدانان نه فقط باید از خصایص محیط مربوطه آگاه باشند، بلکه همچنین بایستی با نحوه نگرش و ادراک واجدین فرهنگ نسبت به محیط طبیعی نیز اطلاع داشته باشند. (تری و لستر، ترجمه لولایی و سلیمانی، ۱۳۸۰، ص ۳۲-۳۱) جغرافیای رفتاری در پی کشف و شناخت نقشه های ذهنی مردم و پرده داری از ادراکات عمیق آنها درباره مکانهاست. در واقع جغرافیای رفتاری، در زمینه شیوه هایی که در آن مردم ادراک می کنند، سپس واکنش مطلوب نشان می دهند و در نهایت در محیط شان تأثیر می گذارند به بررسی می پردازد. (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱) بحث کلیدی در جغرافیای رفتاری تحلیل گرا این است که بشر به محیط پیرامونی خود، چگونه که آنرا از طریق تجربیات و دانش خود درک و تفسیر کرده است، پاسخ می دهد. (Meentemeyer.V, 1989, P163-173) بطوری که ارزشها، اعتقادات ریشه دار و یا هر آنچه که برای اشخاص و جامعه ارجحیت دارند بر ادراک و معرفت آن تأثیر گذارترند. (Iverson nassauer.j, 1995, P230) « داوونز»^{*} (1970) استدلال می نماید که جغرافیای رفتاری بعنوان یک علم رفتار انسانی تصمیم سازیهای مکانی او را سامان می بخشد. در حالی که « هاروی»[†] بنحو دیگری اشاره می نماید که جغرافیای رفتاری در حقیقت بروز رفتارهای انسانی در مقابل تاثیرات مکانی است. (Norton.w,2001,P283) بطور کلی همانطور که اشاره شد درک مردم از محیط زیست خود همانند تجربه هایشان نسبت به یکدیگر فرق می کند و همچنین علایق آنها هم نسبت به یکدیگر و محیط شان متفاوت است، چنانکه ممکن است دیدگاههای یک برنامه ریز توسعه و یک زیست شناس در مورد بکارگیری زمینهای جنگلی کنار یک شهر با دیدگاه یک کشاورز و یک شهروند کاملاً با یکدیگر متفاوت

* - Downs

† - Harvey

باشد. (Council of chief state school officer, 2001, p25) با امعان نظر در مکتب جغرافیای رفتاری با اذعان داشت که با وجود گذشت چهار دهه از ملی شدن جنگلها و مراتع سازمان فضایی منابع طبیعی شمال کشور همچنان دستخوش تغییرات اساسی بوده و بر روند تخریب آن روز به روز افزوده می‌گردد، تلاشهای حاکمیتی برای مهار بحران تخریب و بازساخت فضا تاکنون نتوانسته به توفیقات چندانی دست یابد. اجرای سیاستهای متمرکز، غالب بودن رویکردهای اقتصادی به توسعه منابع طبیعی کشور، حاکمیت دیدگاههای آمرانه در خصوص نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و ... باعث گردیده که علیرغم صرف هزینه های هنگفت از اعتبارات ملی، تعادل‌های فضایی محقق نشود. شکل‌گیری این سازمان فضایی و فرم‌های مکانی موجود در آن تا حدود زیادی به نوع منابع موجود در آن (جنگل، مرتع، رودخانه‌های پرآب، چشمه‌های فراوان و ...) و ادراک محیطی ساکنین آن باز میگردد. بنابراین شناخت میزان ادراک جوامع محلی ساکن در مورد نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی در قلمروهای ارتفاعی متفاوت بمنظور اتخاذ تصمیمات منطبق بر واقعیات موجود برای اصلاح و ترمیم شکافهای ایجاد شده که بواسطه برهم خوردن تعادل‌های محیطی بوجود آمده از ضروریات اساسی میباشد. امری که تا بحال کمتر به آن توجه شده و بیش از دو دهه است که با صرف میلیارد‌ها ریال بودجه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی سعی در القای این دیدگاه می‌باشد که عامل اصلی این بهم‌ریختگی در تعادل‌های محیطی، جنگل نشینان و معیشت سنتی مربوط به آنان (دامداری داخل جنگل) می‌باشد. حال آنکه بنظر می‌رسد نگرش و نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی حوزه‌های آبخیز شمال ایران با نوع و میزان ادراک محیطی جوامع محلی ساکن آن در قلمروهای ارتفاعی متفاوت متغییر باشد. ایده ایی که این مقاله بدنبال بررسی آن میباشد.

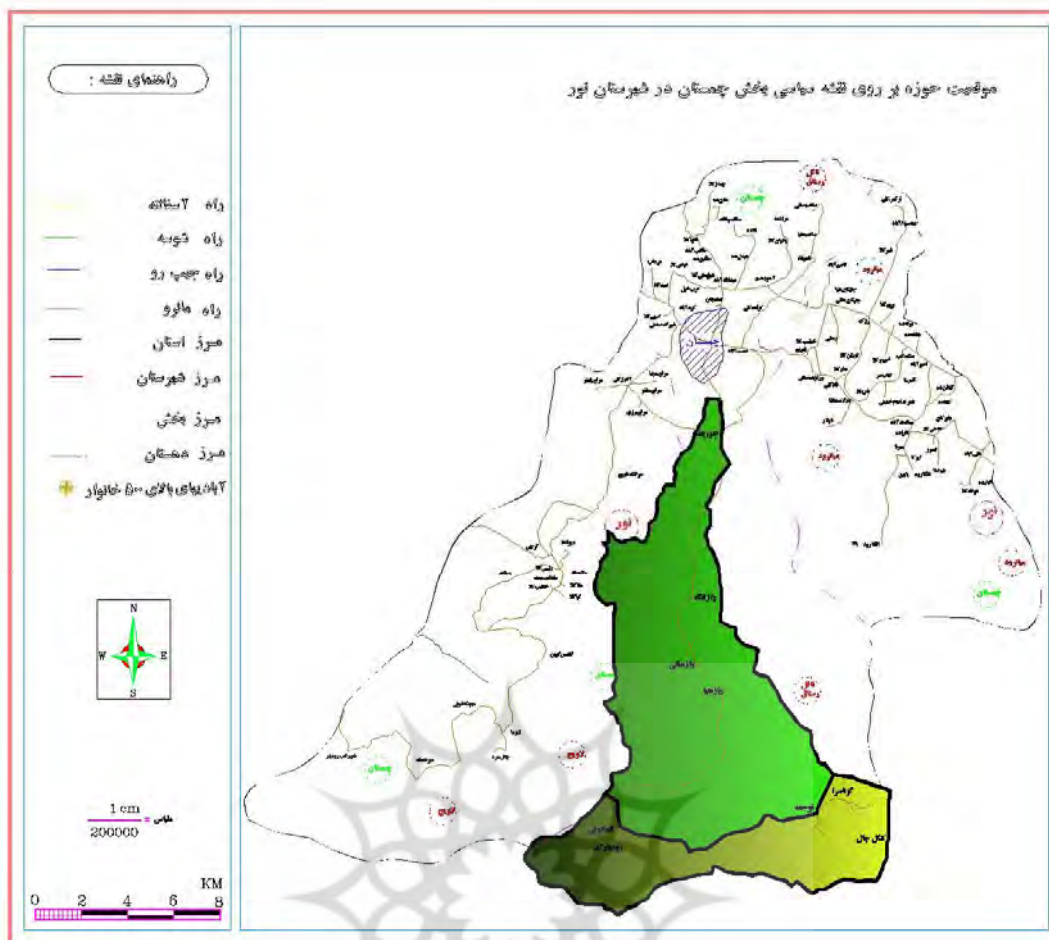
بررسی موقعیت جغرافیایی حوزه مورد مطالعه (حوزه آبخیز "وازرو"):

حوزه آبخیز مورد مطالعه با مختصات جغرافیایی $51^{\circ} 55' 15''$ تا $52^{\circ} 55' 15''$ طول شرقی و $36^{\circ} 12' 15''$ تا $36^{\circ} 30' 00''$ عرض شمالی و با مساحتی بالغ بر 14102 هکتار که 8776 هکتار (معادل $61/5$ درصد) آنرا جنگل و 5426 هکتار ($38/5$ درصد) آنرا مراتع بیلاقی و حریم روستاها تشکیل میدهد، به لحاظ تقسیمات کشوری در محدوده دهستان ناتل رستاق از بخش چمستان شهرستان نور واقع گردیده است. (معاونت عمران روستایی سازمان جهاد مازندران، 1376 ، ص ۱۱) ورودی حوزه (از شمال) بر روی دامنه‌های جنوبی بخش چمستان واقع در محدوده روستای جوربند قرار گرفته است. این حوزه از نظر فیزیوگرافی به مخروطی شباهت دارد که قاعده آن بسمت جنوب و راس آن متوجه شمال است. حداقل ارتفاع حوزه از سطح دریاهای آزاد 270 متر و حداکثر آن 3350 متر میباشد. این حوزه از شمال به جنگلکاریهای دست کاشت و بخشی از اراضی روستای جوربند، از جنوب به مراتع بیلاقی و روستاهای گزناسرا، رودبارک و نوجمه، از سمت شرق به خط‌الراس غرب طرح جنگلداری غرب هراز و از غرب هم به طرح جنگلداری لایچ محدود میشود. این حوزه منطقه‌ایست به نسبت پرشیب که در خط‌القعر آن رودخانه‌ای با آب دائمی از جنوب به شمال با نام محلی « واز » جریان دارد که منشا آن چشمه سارها و برف‌آبهای ارتفاعات جنوبی بوده و اسم حوزه مورد مطالعه نیز از همین نام گرفته شده است.

دامنه‌های شرقی و غربی که در طرفین رودخانه مذکور قرار گرفته‌اند، بطور عام از شیبهای تند برخوردارند. در داخل حوزه از شمال به جنوب ۳ روستا با نامهای تنگه سر (در اصطلاح محلی واز تنگه) *واز سفلی* و *واز علیا* وجود دارد، که اهالی آن بطور عمده دارای مشاغل آزاد هستند. هر سه روستا در خط‌القدر حوزه و حاشیه رودخانه «واز» شکل گرفته‌اند. در این حوزه جاده‌ای بوسیله وزارت راه و ترابری احداث شده که شهرهای ساحلی و بخش چمستان را با عبور از داخل حوزه به ارتفاعات جنوبی آن ارتباط می‌دهد. (خالقی، ۱۳۷۷) در ارتفاعات جنوبی حوزه بین ارتفاعات ۴۰۰۰-۲۰۰۰ متر ۵ روستای بیلاقی قرار دارد که با نامهای گزناسرا- نوجمه- کنگل‌چال- لاسکوتی و رودبارک بر روی نقشه توزیع آبادیها قابل تشخیص میباشد، این روستاها که در فصول پاییز و زمستان عمدتاً خالی از سکنه میباشند، در ماههای گرم سال انبوهی از جمعیت را که عمدتاً ساکن روستاهای جلگه‌ای و شهرهای نزدیک مجاور حوزه میباشند به خود جذب کرده و در طول سه ماه حضور موقت در این روستاها بطور وسیعی از منابع طبیعی پیرامون این حوزه استفاده می‌نمایند، ایده‌ای که مبنای این تحقیق علمی قرار گرفته است.



عکس شماره (۱) " موقعیت حوزه بر روی عکس ماهواره ای، سال ۲۰۰۸



نقشه شماره (۱)

مواد و روشها:

این پژوهش بنا به ماهیت، موضوع و اهدافی که برای آن پیش بینی شده است در زمره تحقیقات کاربردی است. (مشیری و آسایش، ۱۳۸۱) بهره برداری از منابع طبیعی تحت تاثیر فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی در سازمان فضایی [شکوهی، ۱۳۷۸] منابع طبیعی شمال ایران انجام می گیرد. در این تحقیق کوشش خواهد شد با بهره گیری از دیدگاه تطبیقی و مقایسه‌ای* میزان ادراک محیطی جوامع محلی ساکن را در مورد نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی بر اساس طبقات ارتفاعی مختلف مورد بررسی قرار گیرد. از آنجائیکه در این پژوهش از ابزار پرسشنامه و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است، بنابراین از زاویه دیگر میتوان این پژوهش را یک تحقیق پیمایشی^۱ (میدانی) نیز قلمداد کرد. (خادم، ۱۳۸۰) به جهت وسیع نبودن قلمرو تحقیق، جامعه آماری این پژوهش تمامی روستاها و روسای خانوارهای واقع در آن بوده اند. از آنجائیکه هدف پژوهش شناسایی ادراک محیطی جوامع انسانی ساکن این حوزه در قلمروهای ارتفاعی متفاوت بوده است، بنابراین این حوزه را به سه بخش جلگه ای- میانکوهی و کوهستانی تقسیم نموده و با مراجعه به هر قلمرو، آبادیهای آنرا بعنوان جامعه آماری مستقل مورد استناد قرار داده و با برداشت اطلاعات میدانی در نهایت با برقراری

* - Comprative research

^۱- Survey research

ارتباط بین اطلاعات جمع آوری شده در قالب یک جامعه آماری که همه روستاهای حوزه را در بر میگیرد، به مقایسه سطح ادراکی این جوامع پرداخته شده است. برای تعیین حجم نمونه ها، با مراجعه به آمار جمعیت سال ۱۳۸۴ که از طریق خانه های بهداشت واقع در روستاهای مربوط به هر قلمرو اخذ گردیده بود، از بخش جلگه ای ۶ درصد، از بخش میانکوهی ۲۲ درصد (به جهت کم حجم بودن جمعیت در این قلمرو) و از بخش کوهستانی نیز معادل ۶ درصد کل جامعه انتخاب و با استفاده از داده های جمع آوری شده ، اقدام به آزمون فرضیات نموده و سعی بر آن بوده که اثبات و یا رد آنها در قالب تحلیل آماری (X^2) باشد . (مهدوی و طاهرخانی ، ۱۳۸۳) در روش تحقیق برای رسیدن به هدف مشخص که عبارت زیر میباشد .

«بنظر میرسد بین ادراک محیطی ساکنین موقت و دائم در ارتباط با نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی حوزه اختلاف قابل قبولی وجود داشته باشد.»

اقدام به عملیات پیمایشی به شرح زیر گردیده است . برای اندازه گیری و آزمون آماری بین ادراک محیطی ساکنین دائم و موقت در مورد نقش، کیفیت و علل تخریب منابع طبیعی حوزه از جامعه آماری در هر یک از بخشهای جلگه ای - جنگلی و مرتعی سه سؤال مشترک به شرح زیر شده است:

(۱) بنظر شما جنگل و مرتع چه نقشی می تواند در زندگی انسان داشته باشد؟

- جلوگیری از بروز سیل
- تولید اکسیژن و پاکیزه کردن هوا
- نفوذ بهتر آب باران و غنی شدن سفره های زیر زمینی
- گذراندن اوقات فراغت و بهره مندی از چشم اندازهای طبیعی آن
- سایر موارد
- فاقد نظر

(۲) بنظر شما کیفیت مراتع بیلاقی در روستاهای پیرامونتان از نظر تولید علوفه چگونه است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- خیلی عالی
- خیلی خوب
- خوب
- متوسط
- بد

(۳) بنظر شما دلیل تخریب جنگلهای حوزه در چند سال اخیر کدامیک از موارد زیر می باشد؟

- استفاده از چوب جنگلها بعنوان مصارف سوختی
- استفاده از چوب جنگلها برای مصارف ساختمانی
- مجریان طرحهای جنگلداری
- جنگلبانان
- قاچاق چوب

- سایر موارد

- فاقد نظر

بحث و تحلیل یافته ها تحقیق :

بر اساس محاسبات انجام گرفته به روش کای اسکویئر (X^2) بر روی سنجش سطح ادراکی ساکنین حوزه در مورد نقش منابع طبیعی در زندگی انسان اختلاف معنی داری در سطح ۹۵٪ وجود داشته، بطوریکه ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان در بخشهای جلگه‌ای و جنگلی (محدوده سکونت ساکنین دائم) گزینه (نقش جنگل در جلوگیری از بروز سیل) را انتخاب کرده در حالیکه نمونه‌های تحقیق در منطقه مرتعی (محدوده سکونت ساکنین موقت حوزه) تنها ۴۰ درصد این گزینه را انتخاب نموده اند. اگر آگاهی از نقش جنگل و مرتع در تولید اکسیژن و تغذیه سفره‌های زیر زمینی که دانستن آن به سطح خاصی از دانش، بینش و تجربه نیازمند باشد را بعنوان سطح ادراکی بالاتر مدنظر قرار دهیم، این گزینه‌ها در نزد پاسخگویان بخش مرتعی حوزه ۴۰ درصد با اقبال مواجه شده در حالیکه ساکنین دائم حوزه تنها ۲۴/۶ درصد این گزینه را انتخاب نموده‌اند، نتیجه آنکه ساکنین موقت حوزه به سبب حضور بلند مدت در نواحی شهری و روستایی (حداقل ۹ ماه از سال) و لاجرم تاثیر گذاری بیشتر رسانه‌های جمعی بر روی سطح ادراکی آنان با توزیع نرمال تری نسبت به پاسخهای ساکنین دائم حوزه، گزینه‌های دیگر را مورد توجه قرار دادند.

جدول (۱) توزیع فراوانی انتخاب پاسخگویان به گزینه‌های مختلف نقش جنگل در زندگی انسان

گزینه‌ها	مناطق سکونت	جلوگیری از بروز سیل	تولید اکسیژن	تغذیه سفره‌های زیر زمینی	گذران اوقات فراغت	سایر موارد	عدم پاسخگویی	Total
	(سکونتگاههای جلگه‌ای و جنگلی)	۴۳	۱۱	۵	۳	۲	۱	۶۵
	(سکونتگاههای مرتعی)	۱۲	۴	۸	۲	۴	-	۳۰
	جمع	۵۵	۱۵	۱۳	۵	۶	۱	۹۵

جدول شماره (۲) نتایج آنالیز آماری سطح معنی داری پاسخهای جامعه آماری به سؤال نقش منابع طبیعی در زندگی انسان

Analys	Value	df	Asymp.sig.
Pearson chi - square	12.038	5	.034
Likelihood ratio	11.700	5	.039
Linear - by - linear Association	6.704	1	.010
Nof valid cases	95		

منبع : یافته های تحقیق

اما معنی داری پاسخها در نزد نمونه‌های تحقیق در ارتباط با نظرشان در مورد کیفیت مراتع حریم روستا در سطح ۹۵٪ تا حدود زیادی به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان باز می‌گردد. بطوریکه ساکنین بخش جنگلی و جلگه‌ای به سبب سکونت دائم در حوزه و اشرافیت کامل به روند تحولات بهره‌برداری از سطح مراتع ییلاقی حوزه و انجام فعالیت دامداری بوسیله خود و اعضای خانوار که با حضور مستمر در سطح مراتع همراه می‌باشد، برداشتهای

متفاوت تری از ساکنین بخشهای دیگر که فعالیت دامداری خود را با استخدام گالشها و چوپانان انجام می دهند، داشته اند بطوریکه ۵۳/۸ درصد از پاسخگویان دائمی حوزه گزینه های «خیلی خوب» و «خوب» را انتخاب کرده در حالیکه ۴۳/۳ درصد از پاسخگویان که بصورت موقت در حوزه ساکن می باشند گزینه های «متوسط» و «بد» را انتخاب نموده اند. این برداشتهای متفاوت گواهی روشن بر تاثیر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بر شکل گیری ادراکات متفاوت محیطی است چرا که ادراکات و نقشه های ذهنی ساکنین بخش مرتعی بسیار نزدیکتر با نظرات کارشناسی انجام گرفته بر روی وضعیت پوشش مرتعی در این حوزه که ۴۳/۹ درصد را فقیر و ۵۶/۱ درصد را متوسط ارزیابی نمودند می باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی انتخاب پاسخگویان به گزینه های مختلف کیفیت مراتع

(کیفیت مراتع)	nt(عالی)	(خیلی خوب)	(خوب)	(متوسط)	(بد)	(عدم پاسخگویی)	(کل)
(قلمروهای سکونتی)							
1(جلگه ای و جنگلی)	2	11	24	4	7	24	65
2(مرتعی)	1	10	5	6	7	1	30
جمع	3	21	29	10	7	25	95

جدول (۴) نتایج آنالیز آماری سطح معنی داری پاسخهای نمونه های تحقیق در مورد کیفیت مراتع حوزه

Analys	Value	df	Asymp.sig.
Pearson chi – square	32.970	5	.000
Likelihood ratio	37.091	5	.000
Linear - by – linear Association	2.613	1	.106
Nof valid cases	95		

منبع: یافته های تحقیق

و بالاخره آنکه معنی دار بودن پاسخهای نمونه های تحقیق در سطح ۹۵٪ به سؤال علل تخریب جنگلهای حوزه در چند سال اخیر به کاوش فضایی پاسخگویان بواسطه مشاهدات عینی که در محیط دارند، همچنین پایگاه اجتماعی و بهره مندی از آگاهیهای رسانه ای آنان باز گشته، بطوریکه ۶۱/۵ درصد از پاسخگویان ساکن در محدوده سکونت دائمی حوزه گزینه «قاچاق چوب» و ۳۵/۴ درصد نیز گزینه مجریان طرحهای جنگلداری و جنگلبانان را علل تخریب جنگلهای حوزه اعلام نموده، در حالیکه پاسخگویان ساکن در محدوده سکونت موقت (سکونتگاههای مرتعی گزناسرا - نوجمه - رودبارک و لاسکوتی) معادل ۶۰ درصد مجریان طرحهای جنگلداری و جنگلبانان و تنها ۲۶/۷ درصد گزینه «قاچاق چوب» را انتخاب نموده اند. نتیجه آنکه فرضیه مزبور در ناحیه H1 در سطح ۹۵٪ پذیرفته می شود.

جدول (۵) نتایج آنالیز آماری سطح معنی دار پاسخهای نمونه‌های تحقیق در مورد علل تخریب جنگلهای حوزه

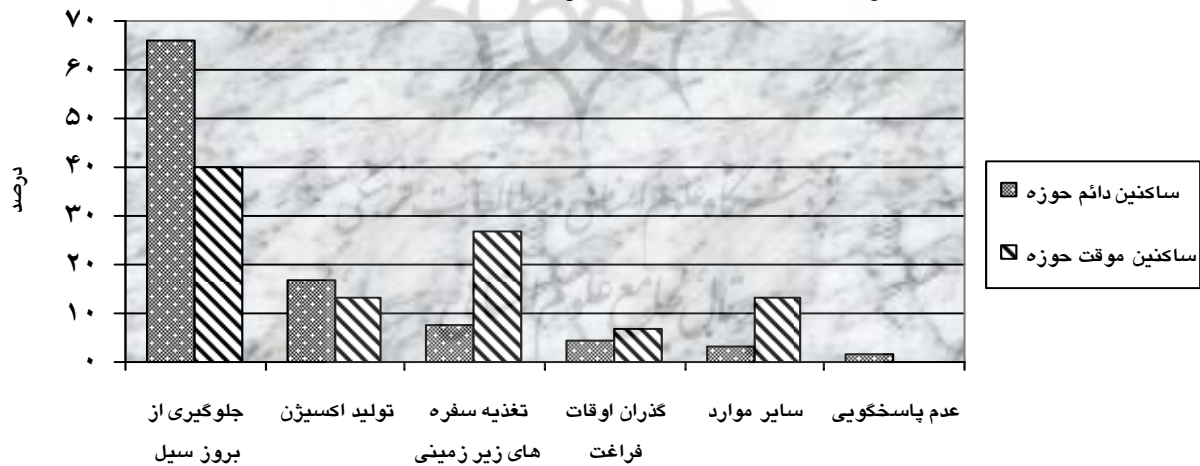
Analys	Value	df	Asymp.sig.
Pearson chi – square	15.461	5	.009
Likelihood ratio	16.567	5	.005
Linear - by – linear Association	11.107	1	.001
Nof valid cases	95		

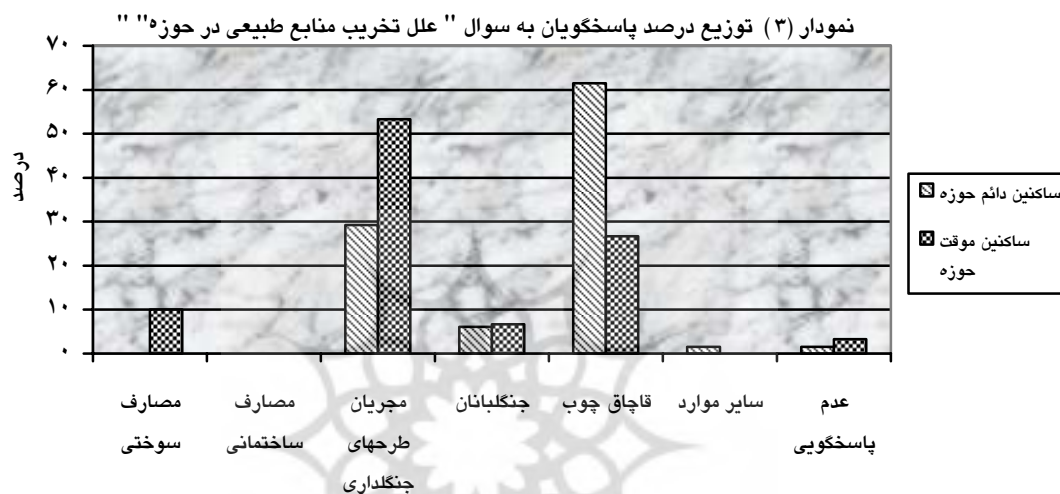
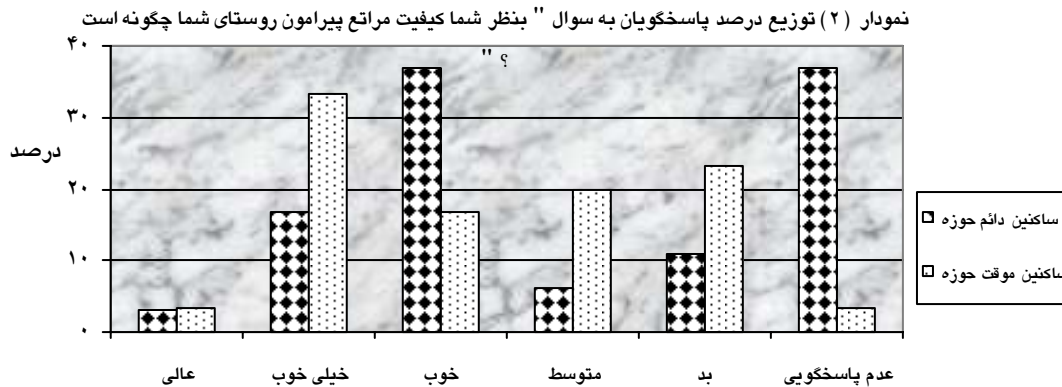
جدول (۶) توزیع فراوانی انتخاب پاسخگویان به گزینه‌های مختلف علل تخریب جنگلهای حوزه مورد مطالعه

(علل تخریب جنگل) (قلمرو سکونت)	(مصارف سوختی)	(مصارف ساختمانی)	(مجریان طرحهای جنگلداری)	(جنگلبانان)	(قاچاق چوب)	(سایر)	بدون جواب	جمع
1=plain + forest zone	-	-	19	4	40	1	1	65
2(مرتعی)	3	-	16	2	8	-	1	30
جمع	3	-	35	6	48	1	2	95

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار (۱) توزیع درصد پاسخگویان به سوال "منابع طبیعی چه نقشی میتوانند در زندگی انسان داشته باشند"؟



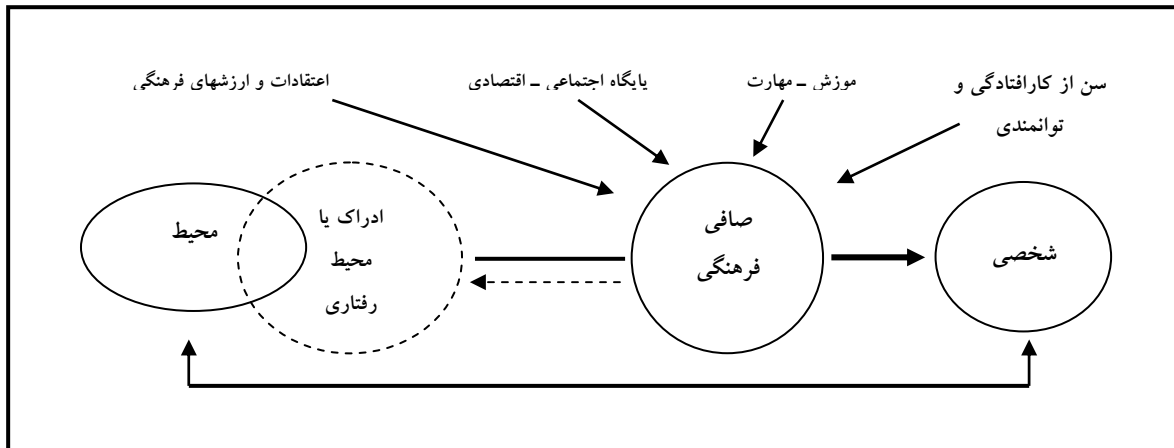


نتیجه گیری و پیشنهادات :

جغرافیدانان رفتارگرا، غالباً تأثیرات سه محیط شخصی، زمینه‌ساز و پدیداری را در بروز رفتارهای فضایی و فعالیت‌های انسان در فضا مورد مطالعه قرار می‌دهند که نحوه تعامل این محیطها نیز دو سویه است. محیط شخصی که برای اولین بار با عنوان جغرافیای شخصی بوسیله دیوید لاونتال مطرح گشته به نقشه‌های ذهنی و شناختی، پایگاههای اجتماعی - اقتصادی افراد و گروهها، شیوه زندگی طبقات مختلف جامعه و ... وابسته بوده و در حقیقت برای ریشه‌یابی پدیده‌های جغرافیایی بخصوص در حوزه مسائل انسانی، شناخت این نقشه‌های ذهنی از اهمیت وافری برخوردار است.

اگر میزان ارزیابی ساکنین بخشهای مختلف حوزه را از کیفیت مراتع مناطق بیلاقی، نقش این منابع در زندگی انسان و دلایل تخریب جنگلهای حوزه را بعنوان سه شاخص برای سنجش ادراک محیطی جامعه آماری مورد مطالعه بپذیریم، اطلاعات استخراج شده از نمونه‌های تحقیق نکات بسیار با اهمیتی را برای شناخت نقش ساختارهای اقتصادی، اجتماعی این سه قلمرو انسانی در نحوه تعامل با محیط پیرامونشان و چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی حوزه روشن می‌سازد.

«بعد فرهنگی ادراک و احساس انسانی»



از : دی. ژان (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹)

۱) در مورد اظهار نظر در خصوص کیفیت مراتع بیلاقی در اطراف روستای محل سکونت، بیشترین درصد پاسخگویان گزینه کیفیت بد را انتخاب نموده‌اند. انتخاب این گزینه با ۳۲/۶ درصد از کل پاسخها، نوسان معنی‌داری را در بخشهای مختلف سکونتی حوزه داشته است، بطوریکه در بخش‌های جلگه‌ای و مرتعی تنها کمی بیش از یک چهارم پاسخگویان این گزینه را انتخاب کرده بودند. حال آنکه بیش از ۵۳ درصد نمونه‌های مورد پرسش قرار گرفته در بخش جنگلی موافق با این گزینه بوده‌اند. این در شرایطی است که بالاترین درصدهای پاسخ در میان نمونه‌های بخش جلگه‌ای به گزینه کیفیت خوب با ۵۷/۱ درصد پاسخها و گزینه کیفیت خیلی خوب با ۳۳/۳ درصد در میان نمونه‌های مراجعه شده بخش مرتعی اختصاص داشته است، نتیجه آنکه ساکنین بخش جنگلی به سبب سکونت دائم در حوزه و اشرافیت کامل به روند تحولات بهره‌برداری از سطح مراتع بیلاقی حوزه و انجام فعالیت دامداری بوسیله خود و اعضای خانوار که با حضور مستمر در سطح مراتع همراه می‌باشد، برداشت بهتری از ساکنین بخشهای دیگر که فعالیت دامداری را با استخدام گالشها و چوپانان انجام می‌دهند، داشته‌اند. بر طبق گزارش کارشناسان موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور ۴۳/۹ درصد از مراتع حوزه در سال ۱۳۷۷ دارای وضعیت فقیر و ۵۶/۱ درصد آن نیز دارای وضعیت متوسط ارزیابی شده است. همین گزارش میزان برداشت از مراتع حوزه را بیش از چهار برابر ظرفیت آن اعلام نموده است. (خالقی، پ، ۱۳۷۷) نکته جالب توجه آنکه استدلال مطرح شده در بالا به نوعی نیز در پاسخ نمونه‌ها به سؤال دلایل تخریب جنگلها در سالهای اخیر قابل توجیه می‌باشد. بدین معنی که ساکنین دائم حوزه (قلمرو انسانی جلگه‌ای و جنگلی) بالاترین درصد علل تخریب جنگلهای حوزه را قاچاق چوب اعلام نموده‌اند این میزان که در بخش جلگه‌ای حوزه ۶۵/۷ درصد از مجموع پاسخها و در قلمرو جنگلی حوزه ۵۶/۷ درصد از پاسخها را در بر گرفته است منعکس کننده کاوش فضایی صحیح پاسخگویان از طریق ادراک محیطی آنان می‌باشد.

۲) بر خلاف دو سؤال قبلی که پاسخهای نمونه‌های تحقیق بر مبنای تصمیم‌گیری از طریق مشاهدات عینی و حضور در متن فضا‌گزینش گردیده‌اند، نحوه برخورد نمونه‌های آماری با طرح این سؤال که "منابع طبیعی چه نقشی در زندگی انسان می‌تواند داشته باشد" در قلمروهای جلگه‌ای، جنگلی و مرتعی بگونه‌ای دیگر تنظیم گردیده‌اند.

۳) از مجموع نمونه‌های آماری پرسش شده در کل حوزه ۵۷/۹ درصد گزینه نقش منابع طبیعی در جلوگیری از بروز سیل را انتخاب نموده که این گزینه در قلمرو جلگه‌ای و جنگلی با بالاترین درصد (۵۷/۱ و ۷۶/۷ درصد) پاسخها روبرو بوده در حالیکه ساکنین موقت حوزه به سبب حضور بلند مدت در نواحی شهری و روستایی پائین دست و لاجرم تاثیر گذاری بیشتر رسانه‌های جمعی بر روی سطح ادراکی آنان تنها ۴۰ درصد این گزینه را انتخاب نموده و با توزیع نرمال‌تری پاسخهای دیگر را مورد توجه قرار داده‌اند. بطوریکه ۲۶/۷ درصد گزینه نفوذ بهتر آب و غنی شدن سفره‌های زیر زمینی و ۱۳/۳ درصد گزینه تولید اکسیژن و پاکیزه کردن هوا و استفاده برای گذراندن اوقات فراغت را مورد گزینش قرار داده‌اند.

با این وضعیت و در شرایطی که تلاشهای حاکمیتی برای ایجاد تعادلهای فضایی در حوزه های آبخیز شمال ایران بر خلاف سایر کشورها، به سمت تمرکز گرایی و خارج نمودن ساکنین جوامع محلی از چرخه بهره‌برداریهای سنتی می‌باشد، بنابراین ضروریست که با انجام پژوهش‌های این چنینی که هدف آن شناسایی ادراک محیطی بهره‌برداران دائم و موقت این حوزه ها و مالا رفتارهای فضایی آنان میباشد. این نکته را به سیاست‌گذاران و مجریان طرحهایی همچون خروج دام از جنگل و تجمیع تک خانوارهای جنگل نشین گوشزد نمود که در ارایه این تسهیلات به هر یک از ساکنین دائم و موقت که عنوان جنگل‌نشین به آنان اطلاق شده، با توجه به وضعیت ساختاری آنان بگونه‌ای عمل نمایند که ساکنین دائمی و واقعی حوزه‌های آبخیز بتوانند معیشت دامداری خود را در یک بستر زمانی مناسب بازسازی و در قالب مجتمعهای دامداری صنعتی به فعالیت خود ادامه دهند. چه در غیر اینصورت با حذف دامهای بومی از چرخه معیشتی آنان که بواسطه اجرای اینگونه از طرحهای ملی بوجود خواهد آمد حجم بالایی از خانوارها مجبور خواهند شد برای گذراندن زندگی به سمت فضاهاى شهری و روستایی همجوار مهاجرت کرده و از آنجائیکه اینان بجز دانش فنی دامداری با سایر فعالیتهای اقتصادی آشنایی کافی ندارند با مشکلات عدیده‌ای در مقصد مهاجرت خود مواجه شده و برای پایداری در این فضاها ناچار به بروز رفتارهایی مانند: نگهداری و پرورش دامهای محدود در محوطه واحدهای مسکونی شهرها و یا احداث واحدهای دامداری کوچک در زمینهایی که پیرامون شهرها خریداری نموده اند خواهند شد که مسلماً مشکلات حادی را برای سایر شهروندان در این زمینه بوجود خواهند آورد.

فهرست منابع:

- ۱- آسایش، حسین و مشیری، سید رحیم (۱۳۸۱) روش شناسی و تکنیکهای تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا، انتشارات نشر قوس، چاپ اول.
- ۲- تری ج، جردل، لستر، داوتری، مترجمان سیمین تولایی و محمد سلیمانی (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- ۳- خادم، نصرالله (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی دامداران مشمول طرح ساماندهی خروج دام از جنگل، دانشگاه صنعتی اصفهان، رساله فوق لیسانس توسعه روستائی.
- ۴- خالقی، پرویز (۱۳۷۷)، نیمرخ جنگلهای خزری (جنگلهای تحقیقاتی «وازرود»)، انتشارات مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، چاپ اول.
- ۵- شکوهی، حسین (۱۳۷۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم.
- ۶- شکوهی، حسین (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم)، انتشارات گیتاشناسی، چاپ اول.
- ۷- مهدوی، مسعود و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳)، کاربرد آمار در جغرافیا، انتشارات نشر قوس، چاپ اول.
- ۸- مهندسین مشاور مازند طرح (۱۳۷۶)، طرح سازماندهی روستاهای پراکنده شهرستان نور.
- 9- Council of chief state school officers with the national assessment governing board, (2001): Geography framework for the (1994) and (2001) National assessment of educational progress, Naep Geography consensus project, P25.
- 10- Iverson Nassauer. J, (1995): Culture and changing landscape structure, landscape ecology vol.10no.P230.
- 11- Meentemeyer.v, (1989): Geographical perspectives of space, time, and scale,
- 12- land scape ecology, vol. 3 nos. ¾, pp163-173
- 13- Norton W, (2001): intiating an affair: human geography and behavior analysis, journal the behavior analysis today, volume2, Issue number4, P283





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی